

Monotheistic Worldview in Foreign Policy from the Perspective of the Supreme Leader

✉ **Mohammad Kafash**  / PhD in Islamic Revolution Studies, Islamic Maaref University afshenfa@gmail.com

Ramin Baba-Hosseini / PhD in Islamic Revolution Studies, Islamic Maaref University
ramin1638992@gmail.com

Hossein Arjini / Associate Professor, Department of Islamic Revolution Studies, Islamic Maaref University

Received: 2024/08/02 - **Accepted:** 2024/11/13

arjini4@gmail.com

Abstract

This study aims to investigate the Supreme Leader's vision in the realm of foreign policy and to elucidate its monotheistic elements. The central claim is that the Leader of the Islamic Revolution has articulated a deep and coherent framework for a God-centered foreign policy, providing a basis for accurate analysis and evaluation of this approach. The main question is: How is the structure and nature of the monotheistic worldview in foreign policy defined from his perspective? Using content analysis of the Supreme Leader's speeches, this study identifies and interprets relevant data to present his model of monotheistic foreign policy. The hypothesis of this paper is that the Leader's conception of monotheism is systematic and defined by specific indicators, articulated both theoretically and practically in the foreign policy domain. Findings show that the Leader considers diplomacy as a tool to realize divine objectives, viewing foreign policy as a realm for advancing divine sovereignty in social and political arenas. Accordingly, from his perspective, a monotheistic foreign policy manifests the legislative will of God and the sovereignty of the Almighty across all dimensions of international relations.

Keywords: Monotheism, Supreme Leader, Foreign Policy

نگرش توحیدباوری در سیاست خارجی از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام

afshen45@gmail.com

ramin1638992@gmail.com

arjini4@gmail.com

✉ محمد کفاش  / دکتری مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی

رامین باباحسینی / دکتری مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی

حسین ارجینی / دانشیار گروه انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی

دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۲ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳

چکیده

این پژوهش با هدف واکاوی اندیشه مقام معظم رهبری علیه السلام در عرصه سیاست خارجی و تبیین مؤلفه‌های توحیدمحور آن انجام شده است. ادعای اصلی تحقیق این است که رهبر انقلاب اسلامی با ارائه چهارچوبی عمیق از سیاست مبتنی بر توحید، زمینه‌ای برای تحلیل و ارزیابی دقیق این رویکرد فراهم ساخته‌اند. پرسش اصلی مقاله این است که ساختار و مختصات نگرش توحیدمحور به سیاست خارجی از منظر ایشان چگونه تعریف می‌شود. این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای بیانات رهبری، داده‌های مرتبط را استخراج و تحلیل کرده و به بررسی الگوی سیاست خارجی توحیدمحور ایشان پرداخته است. فرضیه پژوهش بر این اصل استوار است که در اندیشه رهبری، توحیدباوری دارای نظام‌مندی و شاخصه‌های مشخصی است که در قالب یک الگوی نظری و عملی در حوزه سیاست خارجی بسط یافته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که رهبر انقلاب اسلامی دیپلماسی را ابزاری برای تحقق اهداف توحیدی تلقی می‌کنند و سیاست خارجی را عرصه‌ای برای پیشبرد حاکمیت الهی در ساحت‌های اجتماعی و سیاسی می‌دانند. بر این اساس، سیاست خارجی توحیدمحور از دیدگاه ایشان به معنای تجلی اراده تشریعی الهی و حاکمیت باری تعالی در تمامی ابعاد سیاست خارجی است.

کلیدواژه‌ها: توحیدباوری، مقام معظم رهبری علیه السلام، سیاست خارجی.

رجال سیاسی جهان امروز با تکیه بر نظریه‌هایی مانند «قدرت موجب فساد می‌شود و قدرت مطلق موجب فساد مطلق» (لوکس، ۱۳۷۰، ص ۳۶۵) یا در بعدی دیگر، «سیاست آن است که می‌برد؛ چه می‌برد؟ چه وقت می‌برد؟ چگونه می‌برد؟» (Tansey, 1999, p.5) مفهوم سیاست را مساوی با قدرت‌گزینی و سلطه بر ملت‌ها ترسیم کرده‌اند و عدم نگرش اخلاقی یا متافیزیکی در ابعاد سیاسی، مانعی برای وصول آنها به مقاصد متعالی سیاست شده است. از دیدگاه ماکس، سیاست و دولت رابطه‌ی سلطه‌ی آدمیان بر آدمیان است (ماکس وبر، ۱۳۹۴، ص ۵۶). این رویه در جهان، نقطه‌ی مقابل سیاست خارجی بر مبنای دین و توحید بوده و هست. اصول جهان‌بینی اسلام، که «توحید» بارزترین آنهاست، مبدأ، مقصد و مسیر حرکت جهان و انسان را به کامل‌ترین و جامع‌ترین شکل بیان کرده است.

نظام سیاسی اسلام، به‌ویژه در سیاست‌های بین‌المللی، مبتنی بر سلاقی، امیال و خرافات فردی یا اجتماعی نیست تا آفت تعصبات گروهی آن را منطقه‌ای کند و گردش ایام آن را عصری، و آفت جهل و کم‌دانشی آن را نادرست یا ناقص کرده، آفت نسبی‌گرایی بنیان آن را سست کند؛ بلکه الگویی مبتنی بر انگاره‌های دین مبین اسلام و مبانی نظری به‌دست‌آمده از آن است. از این‌رو انقلاب اسلامی ایران با پشتوانه‌ی اندیشه‌ی توحیدی در پی گسترش الگوی خدامحور بوده و از این طریق داعیه‌ی مقابله و مبارزه با رویکرد سلطه‌جو در روابط بین‌ملت‌ها و دولت‌ها در جهان را دارد. جمهوری اسلامی ایران که نمونه‌ای از حکومت اسلامی به‌شمار می‌رود، بر اساس این نگاه به‌دنبال سلطه یافتن بر سایر دولت‌ها نیست و سلطه‌گری و زورگویی را از هیچ قدرتی نمی‌پذیرد (دادستان بیرکی، ۱۳۸۱، ص ۱۹-۲۲). بر اساس اصول ۱۵۲-۱۵۵ قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران سیاست نفی سلطه‌گری را که برآمده از اعتقاد به توحید است، محقق کرده و ارتباط خود و دیگر کشورها و ملت‌ها را بر اساس این نگاه که برگرفته از دین اسلام بوده، برقرار کرده است و از این‌رو آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رحمته‌الله علیه در دوران زعامت خویش هدایت سیاست خارجی انقلاب اسلامی را بر همین مبنا جاری نموده است.

با این رهیافت، لازم است برای شناخت نگاه توحیدی در سیاست خارجی و اجرای آن از سوی کارگزاران حکومت‌های اسلامی و نیز ارائه‌ی الگوی الهی برای جهانیان، مدل و مبانی سیاست خارجی توحیدی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی و سکان‌دار مبارزه با سلطه‌طلبی در جهان ارزیابی و استخراج شود. آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه به‌عنوان حاکم اسلامی باور به توحید و ترویج آن را در تمامی شئون، از جمله روابط و سیاست خارجی قابل اجرا و مفید می‌دانند. ایشان در کتاب طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن به تشریح امتداد اجتماعی و سیاسی اصول اعتقادی دین مبین اسلام می‌پردازند و اصل توحید را به‌عنوان روحی که در کالبد تمام مقررات اسلام جریان دارد، معرفی می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۱۸۸) که اعتقاد به آن، تعهداتی را به‌لحاظ عملی ایجاد می‌کند و نتایج خود را در بسیاری از میدان، از جمله سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشان می‌دهد؛ تاجایی که حتی حضور ایران در جبهه‌ی مقاومت سوریه را نیز امری برآمده از اعتقاد به توحید معرفی می‌کنند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۰۱/۲۵).

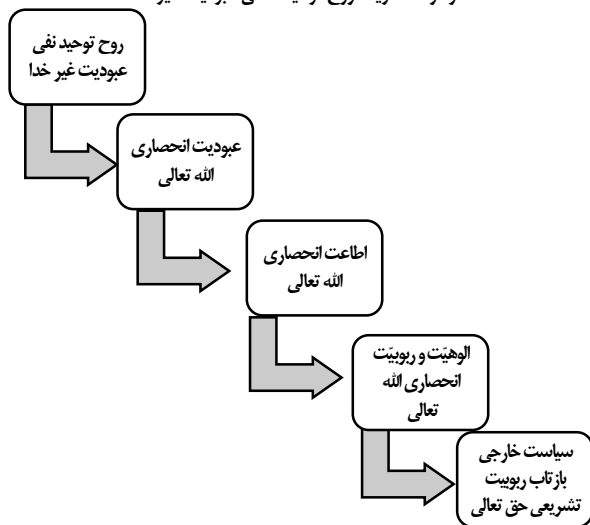
با این رهیافت، تحقیق پیش رو به دنبال پاسخ به این پرسش است که نگرش توحیدباورانه مقام معظم رهبری در سیاست خارجی دارای چه شاخصه‌هایی است و چه نتایجی را در پی دارد؟ در این زمینه پژوهش‌های ارزشمندی به رشته تحریر درآمده است؛ از جمله مقاله «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از نگاه مقام معظم رهبری» (حاتمی راد، ۱۳۸۵)، که در آن، مؤلف به بیان برخی از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری رهبر معظم انقلاب درباره سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. همچنین مقاله‌ای با عنوان «تحلیل و بررسی شاخصه‌های جامعه توحیدی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای» (بوذری‌نژاد و زرعیپما، ۱۴۰۲) نگاشته شده است که با واکاوی در مفهوم «جامعه توحیدی»، خصایص اجتماعی توحید در ابعاد اقتصادی و سیاسی را بیان کرده است. با توجه به عناوین مطرح‌شده، جهت و قلمرو دو مقاله فوق از پژوهش حاضر متمایز بوده و وجه نوآوری این سطور، تبیین امتداد اجتماعی و سیاسی توحیدباوری در ساحت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است که برگرفته از اندیشه منبع مقام معظم رهبری است.

۱. رهیافت نظری و مفهومی

ارزش‌ها و آرمان‌های هر جامعه مبنای شکل‌گیری سیاست‌ها و اصول آن را تشکیل می‌دهند. ارزش‌های دینی و ملی، که ریشه در ایدئولوژی آن جامعه دارند، بازتاب‌دهنده آرزوها و اهداف مشترک آن جامعه‌اند (جمشیدی، ۱۳۷۸، ص ۲۱). بنیان‌های دارای هویت و ایجادکننده تشخیص یک جامعه، که برآمده از ارزش‌هاست، بیانگر دیدگاه و اندیشه‌ی عالی آن جامعه درباره اصول کلان زندگی فردی و اجتماعی خواهد بود. کارکرد این بنیان‌ها پایه‌ریزی ایدئولوژی جامعه و راهنمای سبک زندگی انسان است و روشن است که مبنای، مقدم بر سیاست‌هاست (تیجانی، ۱۳۸۹، ص ۲۱). بنابراین سیاست خارجی در هر نظام سیاسی برآیند نگرش و ارزش‌های حاکم بر اندیشه رهبران و مجریان آن سیاست است. سیاست خارجی در حکومت اسلامی و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر پایه اندیشه وحیانی - عقلی هویت یافته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با الگوی وحیانی و عقلانی، مبنای سیاست خارجی حکومت را تحقق بخشیده و سیاست خارجی حکومت اسلام در ساحت مدل‌سازی، تصمیم‌سازی و کارکرد، بر مبنای توحید بنا گذاشته شده است. این اصول، مقوم و پشتیبان کارکردهای سیاسی یک حکومت اسلامی خواهد بود. جمهوری اسلامی در امتداد حرکت هدایتگری انبیاء علیهم السلام در سیاست خارجی خود متأثر از ایدئولوژی اسلام و به‌ویژه اصل توحید است. آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، روح توحید را نفی عبودیت غیر خدا معرفی می‌کند که عبودیت انحصاری باری تعالی در الوهیت انحصاری خداوند و ربوبیت انحصاری حق تجلی می‌یابد. عبودیت باری تعالی به معنای تقدیس و پرستش ظاهری و اطاعت محض از دستورهای او، در تمامی شئون فردی و اجتماعی محقق می‌شود. مدار الوهیت از آن کسی است که انسان به‌طور بی‌قیدوشرط تسلیم او بوده و سررشته زندگی انسان در دست او باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۱۹۱). ربوبیت تشریعی حضرت حق نیز به معنای قانون‌گذاری، و پذیرش ربوبیت خداوند سبحان به معنای تبعیت از قانون حق است که هرگونه خلل در این تبعیت، شرک در ربوبیت حق شمرده می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۲۳۱). توحید در

سیاست خارجی جمهوری اسلامی به معنای بازتاب ربوبیت تشریعی حق در این عرصه است. با این رهیافت، پژوهش حاضر بر مبنای «تئوری روح توحید - نفی عبودیت غیر خدا»، کارکرد و تجلی توحیدباوری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

نمودار ۱: نظریه «روح توحید - نفی عبودیت غیر خدا»



۱-۱. سیاست خارجی

«سیاست خارجی» مفهومی انتزاعی و بیانگر بخش تفکیک‌ناپذیر از سیاست‌گذاری یک نظام سیاسی است که نقشی اساسی در مقدرات یک کشور ایفا می‌کند. در نگاه برخی اندیشمندان غربی، سیاست خارجی یک راهبرد یا مجموعه‌ای طراحی‌شده از کنش‌هاست که از سوی تصمیم‌گیرندگان یک دولت در برخورد با سایر دولت‌ها یا واحدهای بین‌المللی با هدف دستیابی به اهداف ویژه‌ای که با عنوان «منافع ملی» تعریف می‌شود، اتخاذ می‌گردد (Plano & Olton, 1988, p.6). سیاست خارجی در کشورهای مختلف تابع متغیرهای گوناگونی است که جهت‌گیری تعاملات سیاسی آن کشور را مشخص می‌کند. سیاست خارجی یک کشور به راهبردهای خاص آن کشور برای مدیریت و تقویت روابط با کشورهای دیگر اشاره دارد و هدف آن دستیابی به منافع ملی کشور در خارج از مرزها و حفظ امنیت داخلی است. بنابراین سیاست خارجی به‌طور خاص با تصمیمات و رفتارهای یک دولت در تعامل با دولت‌های دیگر سروکار دارد. باید توجه شود که سیاست خارجی، درواقع متفاوت با سیاست بین‌الملل است؛ چراکه سیاست بین‌الملل به‌عنوان یک زمینه جامع‌تر، به نظم و امنیت جهانی و چالش‌های مشترک می‌پردازد. به دیگر بیان، سیاست خارجی ابزاری در چهارچوب سیاست بین‌الملل است که به‌طور خاص برای منافع یک کشور تنظیم شده؛ درحالی‌که سیاست بین‌الملل بر چهارچوب‌ها و قواعد جهانی تأکید دارد (online.york.ac.uk). البته مبانی ارزش‌گذاری در سیاست خارجی در عرصه جهانی متفاوت است:

واقع‌گرایی (Realism): این مکتب قدرت و امنیت ملی را به‌عنوان مبانی اصلی ارزش‌گذاری سیاست خارجی مطرح می‌کند (Doyle, 1986, p.1151-1169);

لیبرالیسم (Liberalism): در این مکتب، ارزش‌گذاری سیاست خارجی بر مبنای همکاری‌های بین‌المللی، نهادهای چندجانبه و ارزش‌های دموکراتیک صورت می‌گیرد. لیبرالیست‌ها بر این باورند که همکاری بین کشورها می‌تواند به صلح و رفاه بین‌المللی منجر شود (Doyle, 1986, p.1151-1155);

سازمان‌گاری (Constructivism): این مکتب بر اهمیت ایده‌ها، هویت‌ها و هنجارها در سیاست خارجی تأکید می‌کند. بر اساس این مکتب، ارزش‌های یک کشور، هویت ملی و هنجارهای پذیرفته‌شده، چهارچوب سیاست خارجی را شکل می‌دهند. بنابراین سیاست خارجی بر اساس میزان تطابق آن با هنجارهای اجتماعی و هویت ملی ارزش‌گذاری می‌شود (Wendt, 1999, p.92-105; Finnemore & Sikkink, 1998, p.907-910);

مکتب انتقادی (Critical Theory): این مکتب به انتقاد از ساختارهای قدرت و نابرابری در نظام بین‌المللی می‌پردازد و بر اهمیت عدالت و رهایی از سلطه تأکید می‌کند. از منظر این مکتب، سیاست خارجی ارزشمند سیاستی است که از سلطه و ستم رهایی یافته باشد و به عدالت و برابری جهانی کمک کند (Cox, 1981, p.130-135).

اما نظریه برگزیده در این پژوهش، سیاست خارجی مبتنی بر توحید است. این سیاست، بر اساس باور به یگانگی خداوند و حاکمیت مطلق الهی شکل می‌گیرد و بر آن است که اصول و ارزش‌های الهی همچون عدالت، صلح، برابری و نفی سلطه‌جویی باید راهنمای سیاست بین‌الملل باشند. این دیدگاه، قدرت و حاکمیت را تنها از آن خداوند می‌داند و به تبع آن، سلطه‌گری و استعمار را محکوم می‌کند. از این‌رو سیاست خارجی توحیدی بر مبنای تلاش برای تحقق ارزش‌های الهی و رهایی ملت‌ها از سلطه قدرت‌های استکباری استوار است. در این رویکرد، عدالت‌محوری و حمایت از مستضعفان از اولویت‌های اصلی هستند؛ به‌گونه‌ای که سیاست خارجی باید به‌جای منافع صرفاً ملی، بر اساس مسئولیت الهی در زمینه حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف، به‌ویژه ملت فلسطین و با هدف گسترش ارزش‌های اخلاقی و انسانی تنظیم شود (سیاست‌های کلی نظام، ۱۳۸۵).

سیاست توحیدی، همچنین خواستار اتحاد امت اسلامی و پرهیز از تفرقه میان مسلمانان است تا از تضعیف ملت‌های اسلامی در برابر سلطه‌جویان جلوگیری شود. مقام معظم رهبری (عج) سیاست خارجی را جزء ارکان اصلی سیاست‌گذاری کشور می‌دانند و در این باره می‌فرمایند:

سیاست خارجی و دستگاه اداره‌کننده سیاست خارجی، درحقیقت نیمی از نظام سیاسی است که رابطه و حدود و منافع کشور را در اقطار عالم دنبال می‌کند. هرچه هم که دنیا از ارتباطات بیشتری و نزدیک‌تری برخوردار بشود، این نقش اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. خیلی از مشکلات کشورها را دیپلماسی توأم با ابتکار و اقتدار می‌تواند حل کند. درواقع دیپلماسی ابزار کارآمد اقتدار نظام سیاسی است. اقتدار نظام سیاسی را بیش از بسیاری از دستگاه‌هایی که حافظ و موظف به حفظ امنیت ملی هستند، دستگاه دیپلماسی و اداره‌کننده سیاست خارجی می‌تواند به‌عهده بگیرد و تحقق ببخشد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۰۲/۲۵).

آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام با توجه به جایگاه مبانی نظری حکومت در جهت‌گیری سیاست خارجی یک کشور و اهمیت اصل توحید در این باب، می‌فرماید:

«له الملك» مبنای فلسفه سیاسی و نظام سیاسی و اجتماعی اسلام هست. نظام سیاسی اسلام نظام حکومت الهی است؛ حاکمیت الهی است. حاکمیت الهی به معنای کامل آن، یعنی هم قانون از سوی خداست، هم مجری قانون منصوب خداست (مهاجرنیا، ۱۳۹۷، ص ۱۰۰).

از این رو مفهوم سیاست خارجی در اندیشه رهبری حفظ خط درست دیپلماسی و سیاست خارجی و تحفظ بر مبانی توحیدی شکل‌گیری و به کارگیری این مبانی در میدان عمل است.

۱-۲. توحیدباوری

«توحید» مصدر باب تفعیل است و از ماده «وحد» مشتق شده و دارای دو استعمال است: گاهی به عنوان اسم استعمال می‌شود، به معنای یکی و یک نفر؛ و گاهی صفت است؛ یعنی یکتا و بی‌همتا؛ و این استعمال، به ذات خداوند متعال اطلاق می‌شود (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۴). در این واژه، میان معنای لغوی و معنای اصطلاحی ارتباط برقرار است و معنای نسبت دادن از معنای باب تفعیل (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴) در معنای اصطلاحی توحید جاری شده است. بنابراین توحید یعنی نسبت وحدانیت دادن به هر چیزی که متعلق توحید واقع شود. بنا بر تعریف مقام معظم رهبری علیه السلام در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، توحید یعنی واحد ساختن؛ یکی کردن (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۲۹۳)؛ یعنی هر امر متکثری را در لباس وحدت درآوردن. از این رو هرگاه توحید وصف هر چیزی واقع شود، سیر از تکثر به وحدت و زدودن آثار شرک در آن جاری می‌شود که اعتقاد به آن برای انسان موحد تعهداتی را ایجاد می‌کند. در جهان‌بینی اسلامی، توحید یعنی جهان دارای یک آفریننده و سازنده و به تعبیری دارای یک روح پاک و لطیف است که همه اجزای این عالم بندگان و بردگان و موجودات تحت اختیار اویند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۱۹۰). به تعبیر دیگر، توحید به معنای یگانه‌باوری و یگانه‌پرستی است و جهان‌بینی توحیدی یعنی درک این معنا که جهان از یک مشیت حکیمانه پدید آمده و نظام هستی بر اساس خبر و جود و رحمت و رسانیدن موجودات به کمالات شایسته آنها استوار است (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۱۶).

از منظر جهان‌بینی وحیانی اسلام، توحید رکن بنیادین تمام اصول و قواعد شریعت اسلامی است و به بیان امام خمینی علیه السلام: «ریشه و اصل همه آن عقاید، که مهم‌ترین و بارزترین اعتقادات ماست، اصل توحید است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۳۸۷). آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام در بیان تعهدات برآمده از توحید و امتداد اجتماعی و سیاسی آن می‌فرماید: «لا اله الا الله» صرفاً یک مسئله اعتقادی و ذهنی محض نیست؛ بلکه کلمه‌ای منشأ اثر و عمل است و ایجاد دولت اسلامی در مدینه نیز ناشی از «لا اله الا الله» است؛ بدین معنا که در ادیان الهی، حکومت جز به دست خدای متعال و مبعوثین خدا معنا ندارد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۰۱/۲۵). به تعبیری دیگر، توحید اسلامی الهامی

است در زمینه حکومت؛ در زمینه روابط اجتماعی؛ هدف‌های اجتماعی؛ تکالیف و مسئولیت‌هایی که انسان در مقابل خدا، دیگر انسان‌ها، جامعه و پدیده‌های عالم داراست (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۲۱۳).

مقام معظم رهبری رهبر ایمان را به گرایش قلبی آگاهانه همراه با تعهدات عملی همگانی و همه‌جانبه و همیشگی معرفی می‌کند که سنگین‌ترین این تعهدات از جانب اعتقاد به توحید بر عهده انسان مسلمان بار می‌شود؛ تعهدی قاطع و تعیین‌کننده؛ به‌طوری که باور به هریک از عقاید اسلامی یا مذهبی یا حتی عقاید غیراسلامی، به سنگینی و عظمت تعهدات برآمده از اعتقاد به توحید نیست (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۲۹۳). دلالت اجتماعی چنین باوری، با توجه به تأثیراتی که در نظام اندیشه انسان موحد برای شکل دادن به جامعه‌ای توحیدی ایجاد می‌کند، رویکردهای سیاست خارجی جامعه اسلامی را کاملاً تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که جهت‌گیری‌ها در سیاست خارجی را نه بر اساس کسب امتیاز بیشتر در راستای تأمین حداکثری منافع مادی، که با نگرش مقاومت بر اساس نفی حداکثری حکومت طاغوت و مبارزه با ظلم و سلطه آن و حمایت از مظلوم طراحی می‌کند.

۲. شاخص‌های تجلی توحیدباوری در سیاست خارجی

با توجه به رهیافت نظری و مفهومی مطرح‌شده، نمود عینی و عملی باور به توحید در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه مقام معظم رهبری رهبر دارای شاخص‌هایی به تفصیل ذیل است.

۲-۱. پذیرش ولایت الهی

مقام معظم رهبری رهبر در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، با نگرشی ژرف و البته متفاوت با تعاریف ارائه‌شده در باب ولایت، به معناشناسی این واژه می‌پردازند. ایشان ولایت را حفظ پیوستگی داخلی بین مؤمنان و نفی وابستگی‌های خارجی در جامعه اسلامی تعریف می‌کنند که ایجاد این پیوستگی داخلی و به تعبیری بالندگی ولایت بین مؤمنان و مرزبندی با دشمن خارجی و عدم وابستگی به آن متوقف بر وجود مرکزی قدرتمند در جامعه اسلامی است. ولایت هسته اصلی و قلب جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهد و محور همه جهت‌گیری‌ها، نشاط‌ها و فعالیت‌های جامعه اسلامی را پدید می‌آورد و موضع‌گیری همه قطب‌ها و جناح‌های مختلف را صاحب این جایگاه رهبری می‌کند که ولی الهی جامعه اسلامی است. ولی الهی در جامعه اسلامی، یعنی آن کسی که مدیریت و هدایت فکری و عملی جامعه اسلامی بر عهده اوست (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۵۷۸). ولایت الهی در معنای تام خود با وجود این سه رکن اساسی تحقق می‌یابد. جذب منافع و دفع مضرات در سیاست خارجی جامعه اسلامی مستلزم تلائم و پیوستگی تمامی اجزای جامعه اسلامی با یکدیگر و ید واحده بودن در برابر دشمن خارجی است که تحقق این رویه نیازمند وجود فرماندهی مقتدری در بطن جامعه است که همه عناصر فعال و بانشاط جامعه خطمشی تعاملات بین‌المللی خود را از آن قلب مرکزی الهام بگیرند. آن هسته اصلی در جامعه اسلامی، که هریک از عناصر را در جای خود به کار می‌گیرد و از تعارض‌ها جلوگیری می‌کند، ولی خداست که منصوب از سوی باری تعالی خواهد بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۵۶۱).

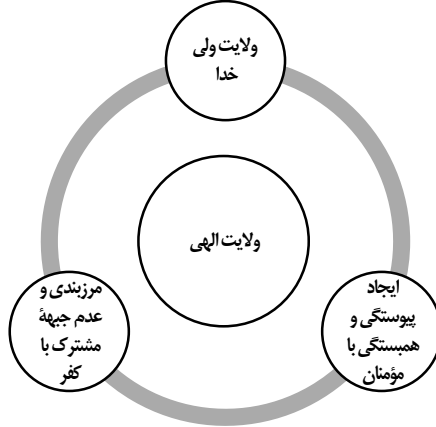
پذیرش این ولایت الهی اصل اولی در سیاست خارجی توحیدباور خواهد بود. ولایت الهی در سلسله‌ای عرضی بین مؤمنان و در سلسله‌ای طولی بین مؤمنان و ولی خدا در جامعه اسلامی سریان می‌یابد؛ یعنی در گام نخست بین مؤمنان پیوند و جبهه‌ای مستحکم برقرار است و در گام بعدی سر رشته هدایت این مؤمنان به دست ولی خداست؛ «به این صورت که خداوند سبحان ولی جامعه اسلامی است که حق امر و نهی و معین کردن خطامشی جامعه، و خلاصه حق تحکم در تمام خصوصیات زندگی انسان‌ها را دارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۵۷۸). خداوند سبحان جهت انتظام جامعه بشری حق ولایت و سرپرستی جامعه بشری را به اولیای الهی دین تفویض کرده که در وجود پیامبران الهی و ائمه هدی علیهم السلام در زمان ظهور، و در عصر غیبت در ولی فقیه تجلی یافته است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۶۷).

فرد یا جامعه‌ای که ولایت خدا را می‌پذیرد، پیروی و فرمان‌برداری از خدا را بنیان کار و نفی حاکمیت غیر را در نگرش خود حاکم کرده است. بر این اساس، سیاست توحیدی در عرصه‌های گوناگون، از جمله سیاست خارجی، هنگامی تحقق می‌یابد که پشتوانه پذیرش ولایت الهی را دارا باشد. بنا بر آنچه در اندیشه مقام معظم رهبری علیه السلام مطرح است، ولایت قرآنی از یک سو معطوف به ارتباطات داخلی بین مؤمنان است و از سوی دیگر به رابطه عالم اسلام و امت اسلامی با جوامع دیگر تحت هدایت قلب مرکزی عالم اسلام، یعنی ولی الهی، نظر دارد. ولایت بین مؤمنان با همبستگی و اتصال و ارتباط بین مؤمنان در صفوف به هم پیوسته و دوری از اختلاف و تفرقه تجلی می‌یابد و اصل ولایت در زمینه روابط خارجی عالم اسلام خطامشی‌ها را به گونه‌ای دیگر تنظیم می‌کند. در این مورد، اصل ولایت مقتضی آن است که امت اسلامی روابط خود را با جوامع دیگر به گونه‌ای تنظیم کند که ذره‌ای تحت فرمان و تحت تأثیر افکار آنها قرار نگیرد. به بیانی دیگر، باید سیاستی مستقل از سیاست آنها داشت و هرگونه هم‌جبهه شدن و پیوستگی‌ای که ملت مسلمان را تحت تأثیر افکار و سیاست آنها قرار دهد، ممنوع است. نه تنها هرگونه سرسپردگی و استثمار به بیگانگان در عالم اسلام ممنوع است، بلکه برعکس، رابطه عالم اسلام با دنیای خارج از آن باید به صورت فرادستی و بالادستی باشد.

البته این رهیافت از ولایت به معنای قطع رابطه با دولت‌های غیرمسلمان و انزوای سیاسی در جهان نیست؛ بلکه ارتباطات در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، دیپلماتی و... برقرار است؛ ولی پیوستگی و هم‌جبهه شدن و تحت تأثیر قرار گرفتن نفی شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۵۴۲-۵۴۳).

بنابراین توحیدباوری در حوزه سیاست خارجی بستری به نام «پذیرش ولایت الهی» را دارا خواهد بود که در قامت ولی فقیه در عصر غیبت تجلی یافته است و سازوکار نظری و مجرای حرکت سیاسی را در حوزه بین‌الملل صورت‌بندی می‌کند و نظام سیاسی را برای کارکردی موفق با پشتوانه اندیشه‌ای آماده می‌سازد که عدم پذیرش ولایت اولیای کفر و داشتن مرزبندی با آنها، از ارکان اصلی پذیرش ولایت الهی است.

نمودار ۲: نمودار پذیرش ولایت الهی



۲-۲. سیاست‌گذاری توحیدی

سیاست‌گذاری توحیدی در عرصه‌های مختلف حکومتی و از جمله سیاست خارجی با پشتوانه فکری توحیدباوری ایجاد می‌شود. به تعبیر رهبر انقلاب، اندیشه توحیدی یعنی آنکه همه متفرقات جمع شوند در زیر مرکزیت اندیشه توحید الله؛ یعنی همه کسانی که می‌توانند در یک خط قرار بگیرند، در یک خط قرار بگیرند؛ یعنی تمام بشر به سوی مرکز الله پیش بروند و جاده تکامل را پیمایند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۵۸/۰۷/۳۰). این بیان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) حاکی از یک سیاست‌گذاری توحیدی برای کل جهان و به معنای نهاده‌سازی سیاست‌ها و تعاملات خارجی بر مبنای توحید است. بنابراین باور به توحید در بعد اجتماعی به تصمیمات عمومی و رفتار جمعی انسان معنا می‌دهد. بر همین مبنا، رهبر انقلاب اسلامی توحیدباوری را یک بسترسازی نو برای تعاملات بشر، از جمله تعاملات سیاسی و بین‌المللی بشر می‌داند و این بعد را از جاذبه‌های فطری نگاه توحیدی برمی‌شمارد و می‌فرماید:

قبل از انقلاب اسلامی همه نهضت‌های ۱۵۰ سال اخیر همین هدف را دنبال کردند؛ ولی با ناکامی روبه‌رو شدند. انقلاب توانست در همان راه با قدرت پیش برود و بر عوامل ناکامی‌اش غلبه کند. چرا؟ چون انقلاب اسلامی حرف نویی را به میان آورد؛ حرف نویی که می‌توانست در دنیای افکار عمومی، به‌خصوص در دنیای اسلام، برای خود جا باز کند. قسمت اعظم این حرف نو، توحید بود، با معنای عمیق و دقیق و همه‌جانبه آن. توحید یعنی حاکمیت ارزش‌های الهی بر جامعه و نفی حکومت‌های طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیانگر بر ارزش‌های انسانی و اصیل. بنابراین توحید ستون فقرات و رکن اساسی شعار اسلامی و پیام انقلاب اسلامی بود (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۰۷/۲۲).

وسعت افق دید و عدم محدودیت نگاه در مسائل مادی و پست، از ثمرات اعتقاد به توحید است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۲۹۴) که منشأ استنتاج موارد بسیاری از رویکردها در سیاست‌گذاری توحیدی است:

۱. این دیدگاه سبب می‌شود که انسان موحد از تنگ‌نظری‌ها و کوتاه‌بینی‌های مادی رها شود و ثمره رفتار خود را تنها در حیات دنیوی ارزیابی نکند و تأثیر عملکرد خود را در مقیاسی ابدی تعریف کند. حاکمیت چنین اندیشه‌ای بر افق

نگاه انسان موحد سبب می‌شود که او دربارهٔ موفقیت‌ها، شکست‌ها، پیشرفت‌ها و پسروی‌ها دیدگاهی متعالی داشته باشد و موفقیت را صرفاً در جنبهٔ به‌دست آوردن کامیابی‌های دنیوی نپندارد (ر.ک: خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۲۹۴-۲۹۵).

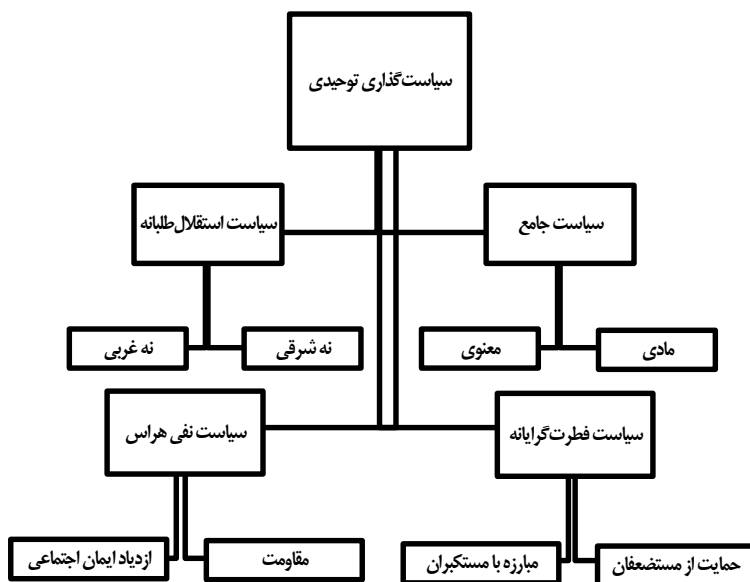
۲. این نگاه سبب می‌شود که اهداف و انگیزها در عرصهٔ بین‌المللی بر اساس تأمین رضایت قدرت‌های بزرگ مادی شکل نگیرد و عدم وابستگی به شرق و غرب سرلوحهٔ برنامهٔ سیاست خارجی کشور قرار گیرد. بر این اساس، انقلاب اسلامی در فضایی که کشورهای دنیا در نبردی سیاسی، اقتصادی، تسلیحاتی، اطلاعاتی و فرهنگی به بلوک شرق و بلوک غرب تقسیم شده بودند، راه سومی را برگزید و جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانهٔ جدید اسلام و استکبار را مطرح ساخت (بیانیهٔ گام دوم، ۱۳۹۷، ص ۱۸).

۳. بر اساس نگاه توحیدی، صف‌بندی انسان‌های فطرت‌مدار و انسان‌های غریزه‌محور در گستره‌ای تاریخی و جغرافیایی جهانی شکل یافته و دو ساحت اهل حق و اهل باطل را ایجاد کرده است. مبارزهٔ انبیای الهی با زورمداران عصر خویش در این چهارچوب قابل فهم است. در این میان، آن دسته از انسان‌ها که از فطرت الهی تبعیت می‌کنند و معتقد به توحیدند، در برابر نابرابری‌ها، سلطه‌جویی‌ها، استثمار و بی‌عدالتی جریان غریزه‌محور قیام کرده‌اند و به‌دنبال ایجاد هندسه‌ای الهی و عادلانه‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام بر مبنای تعالیم و آموزه‌های اسلامی و مبتنی بر باور به سنت‌های الهی برآمده از اعتقاد به توحید، در تقابل بین جریان حق و باطل سیر قطعی عالم را حرکتی به‌سمت حاکمیت حق و صلاح می‌داند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲) که در این سیر، حاکمیت آیندهٔ جهان از آن مستضعفان بوده، مستکبران برای همیشه سرکوب خواهند شد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۰۹/۲۹). بنابراین سیاست خارجی جمهوری اسلامی همواره بر دفاع از جریان حق و مستضعفین عالم و تقابل با زورمداران و مستکبران شکل گرفته است و ایران اسلامی را نماد پرابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر مستکبران جهان معرفی می‌کند (بیانیهٔ گام دوم، ۱۳۹۷، ص ۲۶).

۴. یکی دیگر از ثمرات چنین نگاهی که در سیاست خارجی نظام اسلامی جلوه‌گر است، نفی بیم و ترس از قدرت‌ها در قبال تهدیدات و مواضع خصمانهٔ دول متخاصم است. نظام اسلامی در راه تکلیف و هدف خود و با تکیه بر وعده‌های الهی در باب نصرت مؤمنان از هیچ قدرتی نمی‌هراسد و مواضع خود را بنا بر مصالح امت اسلامی و بدون ترس از تهدیدات تنظیم می‌کند. این امر مهم‌ترین تأثیر روانی اعتقاد به توحید در تصمیم‌گیری‌ها و جهت‌گیری‌های انسان موحد است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۳۰۱) که در تعاملات بین‌المللی نظام اسلامی نیز جلوه‌گر است. در حاکمیتی که اعتقاد به خدا در آن مستقر باشد، ریشهٔ ترس از بین می‌رود و قلیل بودن نفرات اهل حق در برابر اکثریت جاهل در نظام بین‌الملل، حاکمیت اسلامی را منفعل نمی‌کند و سبب وحشت او در طریق حق نمی‌شود. آنچه در طول تاریخ سبب ضعف جبههٔ حق و بروز جنایات بسیاری زیادی از سوی جبههٔ باطل شده، ترس و بیم و هراسی است که بر دل‌ها حاکم شده و در پس آن، مسیر جامعهٔ اسلامی را با انحراف و انحطاط روبه‌رو کرده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۲۹۶). خداوند سبحان

جبههٔ انسان‌های موحد در مصاف با تهدیدات دشمن را جبههٔ انسان‌های اهل توکل معرفی می‌کند که نه تنها از تهدید دشمن هراسی به دل راه نمی‌دهند، بلکه این تقابلات سبب ازدیاد ایمان آنان نیز می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۳۰۵). تصمیم‌گیری در سیاست خارجی و تعیین راهبرد مقاومت یا سازش در قبال تهدیدات زورمدارن عالم، وابسته به میزان اعتقاد به توحید و به کارگیری آن در این مصاف است؛ هرچه اعتقاد به توحید و ایمان به وعده‌های الهی در مسیر حق قوی‌تر باشد، ایستادگی و نهراسیدن و مقاومت در جامعهٔ اسلامی در تعاملات بین‌المللی نیز بیشتر می‌شود.

نمودار ۳: سیاست‌گذاری توحیدی



۲-۳. نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری

از آنجاکه نقطهٔ مقابل توحید، شرک و تبعیت یا پذیرش حاکمیتی غیرالهی است، مقابله با دولت ظالم یا سلطه‌گر و بی تفاوت نبودن در قبال آن، از ارکان سیاست خارجی توحیدی است. اصل توحید همهٔ انسان‌ها را در صف بندگان خدا قرار می‌دهد و در این میان، سلطه‌گری و به تبع آن سلطه‌پذیری در مواجهه با دیگر انسان‌ها ممنوع است. زیست همهٔ موجودات، در منطقهٔ قدرت الهی رقم می‌خورد و در چنین نظامی، از کوچک‌ترین ذرات عالم تا بزرگ‌ترین کهکشان‌های جهان هستی، از انسان‌های موحد تا انسان‌های کافر، همگی دست‌بسته تسلیم، عبد و بردهٔ اویند. در اثر چنین نگاهی، دیگر احدی حق گردن‌کشی و سلطه بر دیگران را پیدا نمی‌کند و وظیفهٔ نظام اسلامی در برابر دولت‌هایی که خود را مالک‌الرقاب دیگر کشورها می‌دانند و هزاران انسان را تحت امر و فرمان خود دارند، ایستادگی و نفی سلطه‌گری است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۱۹۵).

البته قاعدهٔ جامع اسلام - که در اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جلوه یافته است - نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری است که به‌موجب آن با نفی سلطه‌پذیری، نه‌تنها به زورمداران عالم اجازهٔ قلدری و گردن‌کشی داده نمی‌شود، خود نیز در شرایط اقتدار سیاسی و نظامی اهل سلطه‌جویی و ستم بر دیگر کشورها نیست و روابط با دیگر کشورها را بر اساس هم‌زیستی مسالمت‌آمیز رقم می‌زند (یزدی، ۱۳۷۵، ص ۶۵۸). به تعبیری دیگر، «همان‌طوری که حق نداری پایت را روی سر کسی بگذاری، حق نداری سرت را روی پای کسی بگذاری» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۱۹۶). به بیان آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام «اگر چنانچه اعتقاد به توحید وجود داشته باشد، نمی‌توان زیر بار زور رفت و در مقابل ظالم نایستاد؛ چراکه این طبیعت توحید است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۰۱/۲۵).

بر اساس این رهیافت، در اندیشهٔ رهبر انقلاب نزدیک شدن روزبه‌روز بشر به معارف الهی، برخاسته از مبارزه و ظلم‌ستیزی است؛ چراکه برای حق باید مبارزه کرد و بدون مبارزه با مستبدان، زورگویان و بدخواهان بشر نمی‌توان حق را پیش برد. در نتیجه مبارزه لازم است و پیغمبران این کار را کرده‌اند و توحید متضمن کلیات و اصول و خطوط اصلی این مبارزه بوده است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۰۱/۲۵). مقام معظم رهبری علیه السلام سلطه و ظلم ساختاری در دنیا را دارای دو بعد می‌داند که پذیرش آن موجب بسط بیشتر سلطه‌گری خواهد شد که با نظام توحیدی در منافات است:

مبارزه با سلطه هم یکی از وظایف دولت اسلامی است. نظام سلطه نظامی است که مثل بختک سنگینی روی پیکر جامعهٔ بشری می‌افتد - و افتاده است - و او را نابود می‌کند و از بین می‌برد. این نظام سلطه دو طرف دارد: سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. با این نظام باید مبارزه کرد. مبارزه‌اش هم با شمشیر نیست، مبارزه‌اش با عقل، با کار حرفه‌ای سیاسی و با شجاعت در میدان‌های لازم و متناسب خودش است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸).

هدف استکبار محو هویت ملی و دینی در دنیای اسلام و به‌خصوص در منطقهٔ غرب آسیاست و راه عملی مقابله با این هدف استکبار، اتحاد، همبستگی و تمسک به اسلام با ترویج اسلام و با ایستادن در برابر زیاده‌خواهی‌های آمریکا و مستکبران است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۰۶/۱۱). ایستادگی در برابر ظالم و کمک‌رسانی به مظلوم مقتضای اعتقاد به اصل توحید است و براین اساس می‌توان گفت که یکی از بارزترین اصول سیاست خارجی توحیدمحور، که در اندیشهٔ رهبر انقلاب اسلامی نیز جای گرفته، مبارزه با سلطه‌گرانی است که با قلدری درصدد به‌بند کشیدن دیگر کشورها و چپاول و تصرف منابع آنان و تخریب سرشت بشریت در راه رسیدن به اهداف ناصواب خود هستند.

۴-۲. اصل توحیدی نفی سبیل در معاهدات سیاسی

در سیاست خارجی، ایدئولوژی یک حکومت اسلامی که برآمده از آرا و نظریات فقها و اندیشمندان سیاسی و اسلامی است، مورد توجه قرار می‌گیرد. همان‌گونه که عادات فرهنگی و باورها ممکن است در سیاست خارجی کشورها مؤثر باشد، دولت‌های اسلامی نیز در پی تحقق ارزش‌های درون‌دینی و توحیدمحور در نظام و اهداف سیاست خارجی خود هستند (غفوری، ۱۳۷۸، ص ۹۱). در قرآن کریم پس از موضوع جهاد در سیاست خارجی دولت اسلامی، بر نفی ولایت غیرمسلمانان بر مسلمان تأکید شده است. این اصلی مهم و حاکم بر سیاست و روابط خارجی دولت اسلامی با

غیرمسلمانان تلقی می‌شود که از یک نگاه توحیدی استخراج شده است. در دین اسلام مسلمانان و فرایض دینی آنها از برترین منزلت و عزت نزد خداوند برخوردارند و مسلمانان اذن تخطی از آن را در روابط و مناسبات اجتماعی نخواهند داشت؛ به گونه‌ای که خداوند متعال در قرآن کریم عزت مسلمانان و مؤمنان را هم‌ردیف عزت خود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار داده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۱). استقلال سیاسی در یک دولت اسلامی - که نگاهی توحیدی به جهان دارد - در ابعاد گوناگون، خروجی قاعده نفی سبیل است. بر این مبنا، دولت اسلامی ظلم را در دو وجه انکار می‌کند: دولت توحیدی نه به دنبال تسلط استکباری بر دولت‌های دیگر است و نه سلطه و استثمار قدرت‌های بزرگ را بر خود یا بر دولت‌های دیگر مسلمان یا غیرمسلمان می‌پذیرد؛ چراکه ماهیت اسلام نفی ظلم، سلطه و استکبار است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۰۸/۲۴).

دولت اسلامی بر اساس قاعده نفی سبیل، هر عهد نابرابری را مردود می‌داند و رابطه استثماری میان امت مسلمان و غیرمسلمان را نفی می‌کند؛ چنان که فقهی مثل میرزای شیرازی فتوا به تحریم تنباکو می‌دهد تا در قبال سلطه‌گری بیگانه بایستد؛ چراکه سلطه‌گری بیگانگان بر جامعه اسلامی برخلاف اصل توحید است. از سوی دیگر، قاعده نفی سبیل بازدارنده برقراری روابط اقتصادی یا نظامی و... نیست و اسلام با چهارچوب فطرتی با تعاملات طبیعی بشریت نامانوس نیست؛ همچنین دین اسلام به این مسئله بنیادی نظر دارد که در فضای تفاهم‌زا، به گونه‌ای بهتر می‌توان با مخالفان عقیدتی خویش به گفت‌وگو نشست و معارف رهایی‌بخش دین خداوند را به مخاطبان رساند (حقیقت، ۱۳۷۶، ص ۱۸۵). تنها چیزی که مردود است، برقراری روابط و امضای معاهداتی است که سبب نفوذ و سلطه کفار بر عالم اسلام شود. بر این اساس، نفی سبیل از جمله قواعد مهمی است که در روابط و سیاست خارجی یک جامعه توحیدی نقش اساسی دارد و به ابطال معاهدات غیرعادلانه در قبال مسلمانان می‌پردازد؛ اگرچه قراردادهای بر اساس عرف و رویه موجود بین‌المللی و هنجارهای حقوقی باشد. آیت‌الله خامنه‌ای رحمته الله علیه در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، از سطح نظام جمهوری اسلامی فراتر رفته و با توجه به رویکرد تمدنی انقلاب اسلامی، نفی سلطه را - فراتر از مرزهای سیاسی - در رابطه با جهان اسلام و سرنوشت مسلمانان مطرح کرده‌اند؛ چنان که امروزه این قاعده، محور مقاومت در غرب آسیا را در یک سامانه و در قالب دارالاسلام در مقابل دارالکفر و نظام سلطه یکپارچه ساخته است (ایزدهی، ۱۳۹۸). بر این اساس، توحیدباوری در نقطه مقابل سلطه‌پذیری محاسبه شده و راه را در قبال دولت‌های تهاجم‌زیست و سلطه‌جو سد کرده است.

۲-۵. دیپلماسی بر پایه عزت، حکمت، مصلحت

آیت‌الله خامنه‌ای رحمته الله علیه در تبیین اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» را به عنوان سه محور اصلی مطرح کرده‌اند. این اصول بر اساس دیدگاه توحیدی و در چهارچوب اهداف انقلاب اسلامی نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست خارجی کشور دارند. در قرآن کریم، عزت از آن خداوند است و پیامبر و مؤمنان نیز از عزت الهی برخوردارند: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸). از این رو عزت در سیاست خارجی ایران به معنای حفظ شأن و

اقتدار اسلامی و پرهیز از تسلیم و ذلت در برابر دشمنان است. آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام در برنامه چشم‌انداز بیست‌ساله کشور تعامل سازنده ایران با جهان را بر اساس این اصول پیش‌بینی کرده‌اند. در این دیدگاه، عزت به معنای استقلال و حفظ هویت ملی است و باید در تمام روابط بین‌الملل رعایت شود. ایشان بر این باورند که عزت کشور نباید بر مبنای نژاد یا ملی‌گرایی قرار گیرد؛ بلکه باید بر اصول اسلامی استوار باشد (سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، ۱۳۸۲/۰۸/۱۲).

حکمت و مصلحت نیز در این چهارچوب به کار می‌روند. «حکمت» به معنای تدبیر و خردمندی در اتخاذ تصمیمات است. آیت‌الله خامنه‌ای حکمت را در سیاست خارجی به معنای اتخاذ تصمیمات سنجیده و عاقلانه می‌داند که هیچ‌گونه نسنجیدگی و بی‌توجهی به پیامدها در آن راه نداشته باشد (بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۰۴/۱۸). در این راستا، مصلحت به معنای توجه به منافع ملی و انقلاب است. ایشان تأکید می‌کنند که مصلحت نباید به نفع فرد یا گروهی خاص باشد؛ بلکه باید در راستای مصلحت کل کشور و انقلاب عمل کرد (بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۰۴/۱۸).

در نگرش توحیدی آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام حکمت در سیاست خارجی، برخلاف سیاست‌های مبتنی بر دروغ و فریب در غرب - که به «سیاست ماکیاولی» معروف است - به معنای تدبیر و خردمندی است. در این دیدگاه، هدف فریب دشمن یا دست‌کاری حقیقت نیست؛ بلکه سیاست باید بر اساس صداقت و منطق اسلامی باشد. آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام در این زمینه بیان می‌کنند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نه به دنبال فریب دشمنان، بلکه به دنبال تحقق اصول و ارزش‌های اسلامی است (محمدی، ۱۳۷۷، ص ۳۹).

بر پایه این اصول، سیاست خارجی ایران باید بر اساس منافع مادی و معنوی ملت و نظام اسلامی شکل گیرد. مصلحت در این چهارچوب، نه فقط به منافع فردی یا گروهی، بلکه به منافع کلی جامعه و بشریت توجه دارد. آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارند که در تعامل با دیگر کشورها هیچ‌گاه نباید اصول و مبانی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران آسیب ببیند. در این راستا، همواره باید عزت، حکمت و مصلحت نظام اسلامی حفظ شود و تأکید بر استقلال و عزت اسلامی در سیاست خارجی ادامه یابد (بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۰۴/۱۸).

درنهایت، این سه اصل (عزت، حکمت و مصلحت) در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نه تنها برای حفظ منافع ملی، بلکه برای مقابله با سلطه جهانی و پیشبرد منافع ملت‌های مسلمان و مظلومان دنیا مورد تأکیدند. در این مسیر، سیاست خارجی ایران مبتنی بر توحید و اصول اخلاقی است که در تعاملات بین‌المللی به احترام متقابل و منافع مشترک می‌انجامد.

۲-۶. صدور اندیشه مقاومت مبتنی بر توحید

در گفتارهای رهبر انقلاب اسلامی، الگویی از صدور انقلاب مبتنی بر نگاه توحیدی دیده می‌شود که با در نظر گرفتن پیشرفت‌های داخلی، به گسترش این الگو در سطح بین‌الملل توجه دارد؛ الگویی که در ادبیات سیاسی با عنوان «دولت سرمشق» از آن یاد می‌شود. نقش دولت سرمشق و توسعه داخلی، از جمله مواردی هستند که کمترین درگیری را در

سطوح بین‌المللی دارند؛ چراکه در این دو نقش، نوعی درون‌گرایی دیده می‌شود که حیطه مسئولیت‌ها برای دستیابی به اهداف این دو نقش، در درون مرزهای جغرافیایی متمرکز شده است. در نقش دولت سرمشق، دولت از طریق دنبال کردن خط‌مشی‌های داخلی خاص خود در پی کسب نفوذ بر دیگر دولت‌هاست. در نقش توسعه داخلی نیز تلاش حکومت در جهت پرداختن به مسائل توسعه داخلی است (هالستی، ۱۳۷۳، ص ۲۰۵). رهبر انقلاب نیز با رویکرد توحیدی، ضمن تأکید بر ارزش‌های معنوی و توجه به ظرفیت‌های داخلی برای ایجاد جامعه‌ای پویا، بر الگوپردازی برای دیگر ملل تأکید دارند و معتقدند که برافروختن نور معنویت در درون، ملت را به الگویی برای سایر ملت‌ها تبدیل می‌کند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۰/۱۹). محوریت ایران برای دیگر ملت‌ها در مبارزه با طاغوت و نفی عبودیت و اطاعت از غیر خدا به‌عنوان روح حاکم بر اندیشه توحیدی، سبب شکل‌گیری الگوی مقاومت در منطقه شد که وقایعی مانند جریان بیداری اسلامی، مقاومت مردم سوریه در برابر انشقاق درونی، ایستادگی مردم یمن در قبال تجاوز دولت سعودی و در یک کلمه، تحقق محور مقاومت از پیامدهای سیاست‌گذاری بر مبنای صدور اندیشه توحیدی است. نمونه اخیر این الگوگیری، ایستادگی فلسطینیان در برابر ارتش اسرائیل در جریان عملیات طوفان الاقصی است که مقاومت و بیداری فطرت‌های ظلم‌ستیز در جهان را نیز به‌دنبال داشته و موجب شده است که مردم در نقاط مختلف دنیا در برابر ظلم طواغیت و استکبار به‌پاخیزند (Al-Jazeera, 2024). بنابراین نگاه توحیدی انقلاب اسلامی در سیاست خارجی برای انتقال اندیشه خود، ابتدا بر باور توحیدی جامعه و رشد و پیشرفت مبتنی بر این باور تکیه دارد و پس از آن با ایجاد الگوی مقاومت در برابر مستکبران عالم، به صدور باورهای الهی می‌پردازد و از ملت‌ها و دولت‌هایی که شاهد ظلم بی‌دریغ مستکبران عالم‌اند، دعوت می‌کند تا با کنار زدن طواغیت و تمسک به حبل الهی، در برابر قلدران و زورمندان، مسیر آزادگی و کرامت را پیمایند.

۲-۷. ایجاد وحدت جهانی بر پایه توحید

امتداد توحید در زندگی فردی و اجتماعی سبب ایجاد ترابط و اتصال و هماهنگی در اجزا و اعضای اجتماع می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در جهت‌گیری جامعه، حرکت و هدف آن، ایجاد وحدت می‌کند. در دین اسلام، که سرآمد توحید و سیاست‌گذاری توحیدی است، ملیت و قومیت - به‌معنایی که امروز میان مردم مصطلح است - هیچ اعتباری ندارد؛ بلکه به همه ملت‌ها و اقوام مختلف جهان با یک چشم می‌نگرد و از آغاز نیز دعوت اسلامی به ملت و قوم مخصوصی اختصاص نداشته است؛ بلکه اسلام همیشه می‌کوشیده است که به وسایل مختلف ریشه ملت‌پرستی و تفاخرات قومی را از بیخ و بن برکند (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۱۴، ص ۶۱۷). نقطه مقابل این اتحاد، تفرقه و به‌تبع آن اختلافی است که ثمره تأثیر شرک و الهه شرک‌آفرین است. بنابراین هرجا در میان مؤمنان و بندگان صالح خدا وحدت هست، آنجا توحید و خدا هم هست؛ هرجا بین مؤمنان و بین بندگان صالح خدا اختلاف هست، آنجا قطعاً شیطان و دشمن خدا حاضر است (سیاهپوش، ۱۳۹۸، ص ۶۲).

آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام آیه شریفه «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَ لا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران: ۶۴) را به مثابه مبنایی برای دعوت الهی همه بشریت به سوی توحید تبیین می‌کند که بر اساس آن، اصل توحید و یکتاپرستی مبنای تعاملات بین ادیان قرار داده شده است. ایشان با تأکید بر محور «کلمه توحید» به عنوان نقطه اشتراک در ادیان الهی، معتقدند که این آیه شریفه به همزیستی مسالمت‌آمیز و ایجاد وحدت در بین ادیان برای مقابله با استکبار جهانی اشاره دارد. از دیدگاه ایشان، اصل این دعوت قرآنی برای جامعه توحیدی به معنای انکار اربابیت انسان‌ها نسبت به یکدیگر و پذیرش حاکمیت خداوند به تنهایی است، که اگر رعایت شود، مانع شکل‌گیری روابط مبتنی بر ظلم و استکبار در جامعه می‌شود و به ایجاد عدالت و همبستگی کمک می‌کند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱/۰۷/۲۲ و ۱۳۸۶/۰۱/۱۷).

امتداد نگاه توحیدی در سیاست خارجی، به انترناسیونالیسم توحیدی می‌انجامد؛ بدین معنا که سیاست خارجی توحیدباور در تلاش است که تمامی انسان‌های موحد را بدون در نظر گرفتن نژاد، قوم یا فاصله جغرافیایی، زیر یک چتر قرار دهد. بر این مبنا، هنگامی که جز توحید و خدامحوری در میان کشورها و دولت‌ها هیچ خط مرزی وجود نداشته باشد، ظلم و تجاوز در سیاست بیرونی یک دولت نسبت به ملت‌های دیگر کنار گذاشته می‌شود و همه در مسیر واقعی بشری و دینی واقع خواهند شد.

نتیجه‌گیری

باور به توحید در ساحت‌های مختلف دارای ارزیابی متعدد و متفاوت است. این پژوهش ابعاد توحیدباوری را در سیاست خارجی بر اساس نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی بررسی کرده است. بر اساس داده‌های به دست آمده می‌توان اصول اصلی، اهداف و روش‌های اجرای سیاست خارجی اسلامی را با تأکید بر اصول توحیدی و شاخص‌های کلیدی آن این گونه بیان کرد:

مبنای نظری: اصول توحیدی در سیاست خارجی اسلامی

- نفی سبیل: رد هر گونه سلطه‌پذیری از قدرت‌های خارجی؛ تأکید بر استقلال سیاسی و خودمختاری.
- اصول سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت: این اصول به عنوان پایه‌های راهبردی در تصمیم‌گیری‌ها، تعادل بین عزت نفس، عقلانیت در رفتار و منفعت جمعی را تضمین می‌کنند.
- حفظ وحدت اسلامی: تأکید بر اتحاد و هم‌گرایی کشورهای مسلمان در مقابله با تهدیدهای مشترک و مقابله با توطئه‌های تفرقه‌افکنانه.

اهداف کلان سیاست خارجی توحیدی

- حفظ استقلال و مقاومت در برابر نفوذ خارجی: تداوم استقلال سیاسی و اقتصادی در برابر قدرت‌های بزرگ.
- دفاع از مظلومان و مستضعفان جهانی: حمایت از ملت‌های مظلوم، مانند فلسطین و یمن، و ایجاد جبهه‌های مقاومت بین‌المللی.

- گسترش عدالت و احقاق حقوق مسلمانان در عرصه بین‌المللی: تلاش برای ایجاد یک نظم عادلانه بین‌المللی که در آن، حقوق مسلمانان به رسمیت شناخته شود.

روش‌ها و ابزارهای سیاست خارجی اسلامی

- دیپلماسی عزتمندانه: به‌کارگیری دیپلماسی با تمرکز بر حفظ عزت و کرامت و تلاش برای دستیابی به اهداف، بدون سازش بر سر اصول.

- پشتیبانی مادی و معنوی از جنبش‌های مقاومت: از طریق آموزش، حمایت‌های مالی و مشورتی و تقویت ظرفیت‌های داخلی این جنبش‌ها.

- همکاری و اتحاد راهبردی با کشورهای اسلامی همسو: ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با هدف افزایش قدرت و توانایی‌های مشترک.

- تعامل حکیمانه با نظام بین‌الملل: استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های بین‌المللی به‌نفع تقویت موقعیت جهانی مسلمانان، در عین رعایت اصول و ارزش‌ها.

شاخص‌های ارزیابی و پایش

- سطح حفظ استقلال و خودمختاری: اندازه‌گیری میزان کاهش وابستگی به قدرت‌های خارجی.

- تأثیرگذاری در ایجاد همبستگی اسلامی: ارزیابی میزان موفقیت در تقویت اتحاد کشورهای اسلامی و حمایت از جنبش‌های مقاومت.

- موفقیت در تقویت ارزش‌های اسلامی در نهادهای بین‌المللی: بررسی میزان نفوذ ارزش‌های اسلامی در تصمیم‌گیری‌های سازمان‌های بین‌المللی.

- رضایت و حمایت عمومی ملت‌ها: میزان همراهی و حمایت مردمی در داخل کشور و میان کشورهای مسلمان از این سیاست‌ها.

این چهارچوب می‌تواند به‌عنوان مدلی جامع برای تحلیل و ارزیابی سیاست خارجی کشورهای اسلامی، به‌ویژه در جایی که اصول توحیدی را مبنای سیاست خود قرار می‌دهند، مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

- ایزدهی، سیدسجاد (۱۳۹۸). *کرسی علمی با نقد دکتر محسن مهاجرنیا و دکتر روح‌الله شریعتی*. قم: پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی. بازبینی شده از: <http://iri.dte.ir/Portal/home/?news/747983/748013>.
- بوذری‌نژاد، یحیی و زرعیما، شاهین (۱۴۰۲). تحلیل و بررسی شاخصه‌های جامعه توحیدی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، پژوهش‌های معاصر/انقلاب اسلامی، ۴(۱۲)، ۲۰۹-۱۹۱.
- بیانات مقام معظم رهبری. پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری. به‌نشانی: <https://www.khamenei.ir>.
- بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۰۴/۱۸. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-۱۳۷۰/۰۴/۱۸index?id=2471&nt=2&year=1370&tid=1348#45702>
- تبیجانی، عبدالقادر حامد (۱۳۸۹). *مبانی اندیشه سیاسی در آیات مکی*. ترجمه و تعلیق: مهران اسماعیلی و مشتاق الحلو. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حاتمی‌راد، منصور (۱۳۸۵). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از نگاه مقام معظم رهبری*. حصون، شماره ۱۰.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۷۶). *مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی*، چ ۱، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*. قم: مؤسسه ایمان جهادی.
- دادستان بیرکی، علی (۱۳۸۱). *سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: سمت.
- سیاهپوش، امیر (۱۳۹۸). *سیاست از منظر آیت‌الله خامنه‌ای*. تهران: انقلاب اسلامی.
- سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴. ۱۳۸۲/۰۸/۱۲. <https://khl.ink/f/9034>.
- طباطبایی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۰). *صرف ساده*. قم: دارالعلم.
- غفوری، محمد (۱۳۷۸). *اصول دیپلماسی در اسلام و رفتار پیامبر*. تهران: نشر مهاجرمری.
- قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- لوکس، استیون (۱۳۷۰). *قدرت: فرانسوی یا شیطان*. ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۷). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر دادگستر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). *جهان‌بینی توحیدی*. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- بیانیه گام دوم (۱۳۹۷). *معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه*. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۷). *فلسفه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- هالستی، کالوی جاکوی (۱۳۷۳). *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*. ترجمه بهرام مستقیمی. تهران: وزارت امور خارجه.
- وبر، ماکس (۱۳۹۴). *اقتصاد و جامعه*. ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی‌نژاد و مصطفی عمادزاده. تهران: سمت.
- یزدی، محمد (۱۳۷۵). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: امیرکبیر.

- Al-Jazeera (2024, April 29). US advocacy groups back Palestine solidarity campus protests amid Gaza war. Retrieved from <https://www.aljazeera.com/amp/news/2024/4/29/us-advocacy-groups-back-palestine-solidarity-campus-protests-amid-gaza-war>.
- Cox, R. W. (1981). Social forces, states, and world orders: Beyond international relations theory. *Millennium*, 10(2), 126-155.
- Doyle, M. W. (1986). Liberalism and world politics. *American Political Science Review*, 80(4), 1151-1169.
- Finnemore, M, & Sikkink, K. (1998). International norm dynamics and political change. *International Organization*, 52(4), 887-917.
- Plano, J. C, & Olton, R. (1988). *The International Relations Dictionary*. U.S.A.: Longman.
- Tansey, S. D. (1999). *Politics*. London: Routledge.
- Wendt, A. (1999). *Social Theory of International Politics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- York University (n.d.) (2005) *What is foreign policy?* Retrieved from <https://online.york.ac.uk/what-is-foreign-policy/>.